میر سعید میرشکر

یوری خرتوف

در تاجیکستان می‏گویند هرکس باید طی سالهائی که زندگی کرده است،این چهار وظیفه اصلی را انجام داده باشد:لا اقل یک خانه ساخته باشد،لا اقل یک فرزند تربیت‏ کرده باشد،لا اقل یک درخت کاشته باشد و لا اقل یک دوست برای خود یافته باشد.آنوقت‏ می‏تواند بگوید که سالهای عمر گذشته‏اش بیهوده سپری نشده است.

شاعر میر سعید میرشکر به این توصیه نیاکانش تماما عمل کرده است.ولی او بجای‏ یک خانه،خانه‏های بسیار ساخته،چون او در سالهای جوشان نخستین برنامه‏های‏ پنجساله در رشته ساختمان کار می‏کرده است.او میلیونها فرزند تربیت کرده،چون اشعار پر مضمونش برای کودکان به زبان بسیاری از مردم اتحاد شوروی و کشورهای خارجی برگردانده‏ شده است.او گلستان کاملی از شعر بوجود آورده و بهمین مناسبت افتخار نیل به مقام شاعر خلق تاجیکستان را بدست آورده است.او جوایزی چند دریافت داشته که از آنجمله‏اند جایزه دولتی اتحاد شوروی و جایزه جمهوری بنام رودکی و غیره.او بتعداد خوانندگانش‏ دوست دارد.

زادگاه میر سعید میرشکر پامیراست،سرزمینی کوهستانی که قلل مرتفع آن از ابرهای‏ آسمان نیز فراتر رفته‏اند،سرزمینی که بر صخره‏های سخت و عظیم آن در کنار کوره‏راههای‏ پیاده‏رو قدیمی هنوز این کلمات هشداردهنده بچشم می‏خورد که نوشته‏اند:ای رهگذر، احتیاط کن!تو در اینجا همچون اشکی در مژگانی..."از یکی از این کوره‏راهها بود که‏ در سال 1926 پسر بچه‏ای چهارده ساله،(شاعر آینده)همراه عده‏ای از هم‏سن‏وسالانش‏ از قریه زادوبومی خود سیندف بقصد تحصیل راهی شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان شد.

وی در خاطراتش می‏نویسد:

-ما تقریبا یک ماه از کنار رودهای جوشان و کف‏آلود،از جوار پرتگاههای عمیق‏ که فقط عقاب بر فراز آن پرواز می‏کند راه می‏پیمود و با تعجب به خرابه‏های قلاع و حصارهای‏ قدیمی و قراء و قصبات متروک و خالی از سکنه،به نقوش و تصاویری که روی سنگها حک و رسم‏ شده بود و خطوطی که در آنموقع هنوز نمی‏توانستیم آنها را بخوانیم،مینگریستیم.با کنجکاوی از سنگها بالا میرفتیم و به بقایای فرهنگ گذشته نگاه می‏کردیم.راهنمای پیر و سالخورده‏ ما که او هم مثل ما بیسواد بود،ولی روایات و خاطرات آباء و اجدادش را در لوح سینه‏ محفوظ داشت،در یکی از این خرابه‏ها به ما گفت:"اینها آثار و یادگارهای نیاکان ما است.تاجیکها دورانی در صلح و صفا میزیستند.ولی دشمنان غدار از قدیم الایام آنها را آسوده نمی‏گذاشتند،متوالیا بر آنان حمله می‏کردند،خرمنهایشان را زیر سم ستوران‏ له می‏کردند و میسوزاندند و با خود اشک و غم و ماتم می‏آوردند.البته مردم نیز از خانه‏ و کاشانه خود دفاع می‏کردند.ولی بعد از هر سیل استیلا گران،سیل دیگری میریخت‏ و سرانجام مردم غیور مجبور به جلای مرز زادوبومی خود میشدند و هره بیشتر به دل‏ کوهها پناه میبردند".

در سال 1931 رهبران دولت تاجیکستان،میرشکر 19 ساله را که از همانوقت شروع‏ به سرودن و پخش اشعارش کرده بود،به گفت‏وشنودی دعوت کردند و به او گفتند:می‏خواهیم‏ وظیفه پرمسئولیتی به تو محول کنیم.ساختمان تأسیسات آبیاری رود وحش که بزرگترین‏ تأسیسات ساختمانی تاجیکستان است روزنامه‏ای منتشر می‏کند.ما تو را به سردبیری این‏ روزنامه تعیین کرده‏ایم‏".

شاعر با فروتنی گفت:آخر من برای این کار هنوز خیلی جوانم.

آنها به او گفتند:"مهم نیست.جمهوری ما جوان است،کادرهایش هم جوانند. با هم بزرگ می‏شوید!".

یکی از رویدادهای بزرگ زندگی شاعر که در ساخت او بعنوان یک اهل شعر و ادب اهمیتی‏ بسزا داشت دیدارش با ولاد یمیر مایاکوفسکی در مسکو در سال 1929 بود.او با شنیدن‏ اشعار این شاعر،نخستین بار جدا متوجه این نکته شد که چه شیرین و دلنشین است وقتی‏ شاعر در وصف میهنش شعر می‏گوید و نبوغ و استعدادش را در خدمت خلقش می‏گذارد.

میدان خلاقیت میر سعید میرشکر خیلی گسترده است.اشعاری که او برای کودکان‏ سروده،بویژه زیبا و دلنشین است.ترانه‏هائی که اشعار او را تنظیم کرده در کشور شهرت‏ فراوان کسب کرده‏اند نمایشنامه‏های او با موفقیت در صحنه‏های تئاترهای جمهوری نمایش‏ داده می‏شود و مورد استقبال شایان قرار می‏گیرد.از روی فیلم‏نامه‏هائی که او نگاشته، فیلم‏هائی تهیه شده‏اند که از آنجمله است فیلم کودکان پامیر"که به دریافت جایزه‏ دولتی و دیپلم از جشنواره سینمائی بین المللی جاکارتا مفتخر گشته است.

فعالیت ادبی میرشکر از فعالیتهای دولتی و اجتماعی شاعر جدائی‏ناپذیر است. دهها سال است که زحمتکشان جمهوری تاجیکستان او را به نمایندگی عالیترین ارگان‏ حاکمیت دولتی جمهوری-شورای عالی جمهوری برمیگزیند.میر سعید میرشکر صدر کمیته‏ همبستگی کشورهای آسیائی و افریقائی در تاجیکستان،عضو هیات رئیسه کمیته دفاع از صلح تاجیکستان،و عضو هیأت مدیره انجمن دوستی و روابط فرهنگی با ملل کشورهای خارجی‏ است.صدای شاعر همچون منادی عشق به کار صلح‏آمیز انسان،کاری که بدون آن،بگفته‏ شاعر،جهان کویر بیروحی بیش نخواهد بود،از تریبونهای مختلف بلند می‏شود.